



گفت‌وگوی «وطن امروز» با «مئینه میرزایی» نویسنده کتاب «تاج بندگی»



## مسؤولیت حجاب

**تیتراهای امروز**

رئیس جمهور سوریه از برنامه هایش برای دوره جدید ۷ ساله ریاست جمهوری خود گفت

**سوگند اسد**

«وطن امروز» گزارش می‌دهد: بررسی تحریم نفتی ایران و راهکارهای خنثی‌سازی آن

صفحه ۲

**فن بدن تحریم نفتی**

به دلیل کمبود نهاده‌های دامی قیمت هر کیلو مرغ به بیش از ۲۶ هزار تومان رسید

**مرغ هم در فکر آبودانه است!**

صفحه ۵

**برجام شاید وقتی دیگر**

گزارش «وطن امروز» از جدیدترین تحولات و تصمیمات اتحاد شغاد برای حل بحران آب خوزستان

**مدیریت خشکید**

صفحه ۳

**برنامه رئیس‌ری برای تسریع واکسیناسیون در دولت سیزدهم**

**اولویت دولت سیزدهم اختصاص بودجه و انجام حمایت لازم برای تولید و واردات واکسن است؛ ملاک و محور اصلی تولید واکسن داخلی است**

**خط ۳ تولید واکسن کرونا مرادماه راهاندازی می‌شود با راهاندازی خط ۳ هفته‌ای ۶ میلیون دوز واکسن تولید می‌کنیم تا پایان شهریور تولید ۵۰ میلیون دوز واکسن محقق می‌شود**

اطمینان بخشی دکتر محمد مخبر:

زمان واکسیناسیون عمومی را کاهش می‌دهیم آرامش خاطر و مصونیت بخشی مردم برای ورود به فصل پاییز و زمستان اهمیت ویژه‌ای دارد

تصویر: تابان

تمايز جدی‌تر انسان و حیوان مگر جز در این است که حیوان سراسر حقوق است اما انسان ترکیب حقوق و تکلیف یا مسؤولیت است. اینجا اگر رام کردن هست، رام کردن وجه حیوانی انسان و آرام کردن وجه انسانی یا الوهی انسان است. هابز هم بدرستی می‌گفت که تربیت سیاسی یعنی آموزش حقوق شهروندان از جمله آزادی بیان، حقوق اقتصادی، حقوق اجتماعی و حقوق فرهنگی است. پس اگر از جمله آزادی بیان که تربیت سیاسی خود دور است و مبتنی بر ماده‌گرایی در سخن می‌گوید، بنابراین ناچار است انسان را به حیوان تقلیل دهد. ضمناً نصیری ناخواسته نوعی ماکیاولیسم سازگار نیست و حال که جامعه بدون سیاست و دولت ممکن نیست، پس اخلاق را کنار بگذاریم! ائمه در پی یا دست‌کم آرزومند حکومت بودند اما نه برای حکومت کردن، بلکه برای حاکم کردن دین به نفع مصلحت و هدایت مردم. حتی دین برای دین هم در اسلام جایی ندارد و تنها دین برای سعادت مردم و رضای الهی معنی دارد. نصیری درست گفته اما علی (ع) شوقی برای قدرت نداشته است (نقل به مضمون)، اما برای برچیدن ظلم و امکان لشکر داشتن و مشمشیر کشیدن برای حق خدا و مردم شوق داشته است.

نصیری می‌گوید معصوم در پی تحمیل حکومت نبوده است اما باید گفت امامان ما در پی تحمیل عدالت برای ساختن جامعه‌ای بودند که امکان آزادی برای انسان و آزادگان و شرافتمندان را بیشتر و ناهلن، کمتر کند. ❄️ پژوهشگر ارشد اندیشه سیاسی

شهر بود و شهروندی حاصل تکلیف فرد بود، نه حاصل نشستن بر سر صندلی ادعا و انتظار صرف. شهروندی با فعالیت فرد به دست می‌آمد، بنابراین متضمن اجبار بوده است). در عین حال بدون درافتادن در وادی قیاس به نحو مستقل نشان می‌دهیم مهدی نصیری در فهمش از اسلام و سیاست به خطا رفته است.

این طرف در ایران ما ظرف «جماعت» داریم که ترکیب جمعیت و جمع بوده و از هر جای جهان اسلام قوی‌تر و پرنفوذتر است؛ جماعتی که متضمن جمعیت و جمهوریت ناب است. تحت ولایت و پدیده‌هایی مانند نماز جمعه و راهپیمایی و سیخ خودجوش و انتخابات و تمایز و بی‌رقیب، ما با «Interest» یا «هر میان بودن» مواجهیم؛ اینجا جاست که به جای تنهایی مطلق یا مفراط که در سبک زندگی غربی وجود دارد، شاهد دیگر گزینی و در نهایت آن، ایثار هستیم (وج فداکاری برای دیگران تنها در اسلام و شیعه شدنی است. شهادت و سایر مفاهیم معنوی نیز چنین است).

سابق آنچه گذشت و بر اساس مفهوم جماعت - به معنای دینی و ولایی آن - که به طور بنیادین سیاسی است و حکومتی، سیاست در ایران دست‌کم در مقام امکان، بی‌ظنیر ترین الگوی گذشتن از منافع فردی و حتی اجبار است. در بسیاری از کشورها رای دادن

نقدی بر نوشته اخیر مهدی نصیری با عنوان «بی‌اعتنایی امام علی به حکومت، درسی برای امروز ما»

**چرا اسلام سیاسی مردمی تر و اخلاقی تر است؟**

نقدی بر نوشته اخیر مهدی نصیری که بتازگی تصیری در مطلبی که بتازگی حکومت کرده و از سوی دیگر، اسلام سیاسی و حکومتی بودن اسلام را تلویحاً یا تصریحاً زیر سوال برده است. ابتدای به ساکن باید گفت به نظر می‌رسد نصیری درک دقیقی از حکومت و قدرت ندارد و دچار ناتوانی و تلقی رویایی از آن است. در ادامه با تعریف حداقلی برخی مفاهیم، می‌خواهیم نشان دهیم اساساً سیاست بر اجبار استوار است و اینکه چگونه جمهوری اسلامی این اجبار را با اختیار همراه کرده است. نصیری باید بداند بدون ضرورت و تکلیف و مسؤولیت، آزادی، معنایی ندارد، همچنان که بدون جبر، آزادی ناممکن است. چنانکه ملاصدرا می‌گوید انسان جبراً موجودی مختار است. البته بحث ما در اینجا کمتر و پایین‌تر از بحث ضرورت علی است. بگذریم و به تعریف برخی مفاهیم مورد نیاز برای نقد حاضر بپردازیم.

**دولت (State):** از کلمه لاتین «Sto» به معنای ایستادن و استقرار است. دولت در عربی اما از «قول» به معنای تغییر دادن است. سیاست هم از ریشه «سأن» به معنی رام کردن است. تغییر دادن در کنار رام کردن که متضمن امنیت و نظم و ثبات یا استقرار است، الگویی ممتاز و متمایز از اسلام سیاسی و سیاست اسلام، مقابل دیده می‌نهد. البته به هر روی سیاست بعد اجبار آمیز دارد و چندان جای تعارف نیست. برای همین قانونمند می‌شود هر چند در جوامع غرب به قول «جو رجو

یادداشت

**دکتر محسن سلگی: مهدی نصیری در مطلبی که بتازگی حکومت کرده و از سوی دیگر، اسلام سیاسی و حکومتی بودن اسلام را تلویحاً یا تصریحاً زیر سوال برده است. ابتدای به ساکن باید گفت به نظر می‌رسد نصیری درک دقیقی از حکومت و قدرت ندارد و دچار ناتوانی و تلقی رویایی از آن است. در ادامه با تعریف حداقلی برخی مفاهیم، می‌خواهیم نشان دهیم اساساً سیاست بر اجبار استوار است و اینکه چگونه جمهوری اسلامی این اجبار را با اختیار همراه کرده است. نصیری باید بداند بدون ضرورت و تکلیف و مسؤولیت، آزادی، معنایی ندارد، همچنان که بدون جبر، آزادی ناممکن است. چنانکه ملاصدرا می‌گوید انسان جبراً موجودی مختار است. البته بحث ما در اینجا کمتر و پایین‌تر از بحث ضرورت علی است. بگذریم و به تعریف برخی مفاهیم مورد نیاز برای نقد حاضر بپردازیم.**

**دولت (State):** از کلمه لاتین «Sto» به معنای ایستادن و استقرار است. دولت در عربی اما از «قول» به معنای تغییر دادن است. سیاست هم از ریشه «سأن» به معنی رام کردن است. تغییر دادن در کنار رام کردن که متضمن امنیت و نظم و ثبات یا استقرار است، الگویی ممتاز و متمایز از اسلام سیاسی و سیاست اسلام، مقابل دیده می‌نهد. البته به هر روی سیاست بعد اجبار آمیز دارد و چندان جای تعارف نیست. برای همین قانونمند می‌شود هر چند در جوامع غرب به قول «جو رجو

خاکریزها، دره‌های مثلثی شکلی بودند که هر ضلع‌شان بین ۱۵۰ تا ۱۸۰۰ متر طول داشت و در هر کدام یک گردان زرهی با آرایش پیچیده استقرار داشت. فلتن اصلی عملیات، رسیدن به ۲ سر کانال پرورش ماهی و پشت سر گذاشتن آن، سپس چسبیدن به ساحل شط‌العرب بود. عراق راه جنوب کانال ماهی را با ایجاد آبگرفتگی مسدود کرد اما ایرانیان توانستند با پیشروی بیش از ۲۰ کیلومتر در خاک عراق، خود را به شمال کانال برسانند.

در اینجا بود که مشکل اصلی بروز کرد. هر چند نیروهای ایرانی خود را به ۱۶ کیلومتری شمال بصره رسانده بودند اما جناح راست‌شان تحت کنترل چندین لشکر قدرتمند ارتش بعث بود. رزمندگان یگان‌های دیگر که بنا بود پس از پشت سر گذاشتن خاکریزهای مثلثی، جناح راست نیروهای پیشرو را تأمین کنند، پشت مثلثی‌ها متوقف شدند. در نتیجه نیروهای پیشرو، از پهلوی راست مورد حمله سنگین قرار گرفتند و ناچار عقب کشیدند. در مرحله بعد، تلاش شد از پل‌های روی کانال پرورش ماهی عبور شود اما زمین مسلح به قابل توجیهی از توان نظامی عراق، موفق به دستیابی به هدف نهایی نشدند و عملیاتی که در تاریخ جنگ، نزد ایرانیان به «عملیات رمضان» شناخته می‌شد و از سوی بعضی‌ها به «ببرد اول بصره» شهرت یافت، به پایان رسید. **ادامه در صفحه ۶**

**به مناسبت ایام سالروز عملیات بزرگ «رمضان»**

**نبرد اول بصره**

فاصله ۱۶ کیلومتری تا مرز، قلب اقتصادی عراق به شمار می‌رفت و ۷۰ درصد درآمد نفتی عراق را تأمین می‌کرد. تصرف این شهر می‌توانست رژیم عراق و متحدانش را وادار به پذیرش شرایط ایران کرده یا حتی باعث سقوط صدام شود.

بهرغم اینکه «بصره» از همان ابتدای طراحی عملیات «الی بیت‌المقدس» به عنوان هدف نهایی عملیات تعیین شده بود، با ملاحظاتی سیاسی-امنیتی از مانور تبلیغاتی روی این موضوع پرہیز شد و حتی بخش قابل توجهی از نیروهای رزمنده حاضر در عملیات نیز به صورت واضح و روشن در جریان چنین راهبردی قرار نگرفتند. در حالی که هرچه با خرد نظامی متعارف، می‌دانست «بصره» قابل دسترس‌ترین هدف برای ایرانیان جهت مقابله به مثل است اما تنها در میانه عملیات بود که متوجه جهت فلتن‌های هجومی ایران به سوی بصره شد و چاره‌ای جز این ندید که بخش‌های مهمی از مناطق متصرفه خود را در خاک ایران، به صورت ناگهانی خالی کند تا بتواند نیروهایش را روی محکم کردن حلقه‌های دفاع از بصره متمرکز کند (عقب کشیدن لشکرهای ۵ و ۶ از غرب «هواز» و انتقال آنها به شرق «بصره»).

هنگامی که در خاک ایران، جشن آزادسازی خرمشهر برپا بود، فرماندهان نظامی ایران، گوشه‌چشمی هم به ساختن و سازهای پرجمعی داشتند که در آن سوی مرز جریان داشت و برای آغاز مرحله بعد عملیات -که بنا

این جنگ انجام نشده بود. سازمان ملل حتی زیر بار این نمرت‌ف که «جنگ بین ایران و عراق» را به رسمیت بشناسد و در اسناد خود از آن با عنوان «وضعیت میان ایران و عراق» یاد می‌کرد. طی ۱۸ ماهی که ایران در وضعیت بسیار شکننده و ضعیف، زیر حملات همه‌جانبه ارتش صدام قرار داشت، چنین اطلاق به یک جنگ تمام‌عراق، جانبداری آشکار از متجاوز محسوب می‌شد، زیرا از تمام عواقب بین‌المللی عنوان حقوقی «جنگ» در امان می‌ماند. در چنین شرایطی برای جمهوری اسلامی هیچ تردیدی باقی نماند که در طراحی راهبرد آینده خود، علاوه بر آزادسازی مناطق اشغالی، باید تحقق اصل پذیرفته شده جهانی، یعنی تنبیه متجاوز و دستیابی به یک اهرم فشار برای مطالبه حقوق مادی و معنوی ایران از متجاوزان را هم رآسا برعهده بگیرد.

در همین راستا، پس از عملیات «ثامن‌الائمه» (مهر ۶۰)، مقابله به مثل در برابر اشغال خرمشهر در اولویت‌های برنامه نظامی ایران قرار گرفت و بنا شد در طراحی عملیات‌های گریبا، تهدید یا تصرف شهر یا منطقه استراتژیکی از عراق، مدنظر قرار گیرد. ۶ شهر عراق به عنوان گزینه‌های تنبیهی در برابر نظامیان جمهوری اسلامی قرار داشت؛ اربیل، سلیمانیه، بعقوبه، کوت، المعراه و بصره.

۵ شهر از این فهرست، با مرزهای ایران بین ۴۵ تا ۱۰۵ کیلومتر فاصله داشتند. تنها بصره بود که علاوه بر

**تاریخ**

**محمدعلی صمدی: «اولین**

برنامه، ادامه عملیات به سمت بصره است. ۱۵ روز آینده مهلتی برای یگان‌های عملیاتی است تا به جله‌جایی، سازمان دهی، تعیین طرح مانور و شناسایی محورهای عملیاتی خود مشغول شوند.»

این صحبت‌های «علی صیادشیرازی» فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، سوم خرداد ۶۰، حدود ۱۲ ساعت پس از آزادی خرمشهر، در جلسه فرماندهان «قرارگاه کربلا» بیان شد. تصرف یا تهدید بصره، در طرح عملیات «الی بیت‌المقدس» پیش‌بینی شده بود اما خستگی و فرسودگی شدید نظامیان ایرانی به دنبال ۳ هفته جنگ سخت و بدون استراحت، باعث شد در این مرحله به آزادی «خرمشهر» بسنده شود.

در حقیقت پس از عملیات‌های «طریق‌القدس» و «فتح‌المبین» بود که صاحب نظران نظامی کشور، به این نتیجه رسیدند متجاوزان بنا ندارند بر اساس اصول و قواعد عقلانی نظامی عمل کنند و به علت گره خوردن حیثیت سیاسی و حتی موجودیت رژیم بعث (در آن مقطع) به پیروزی در جنگ علیه ایران، نمی‌توان هیچ حساسی‌روی محاسبات‌نظامی متعارف و قابل پیش‌بینی از سوی رژیم صدام درباره آینده جنگ داشت. علاوه بر این، به عالی‌ترین مرجع بین‌المللی حل و فصل منازعات، یعنی سازمان ملل متحد نیز امیدوی نبودن نخستین قطعنامه‌ای که سازمان ملل متحد برای حل و فصل منازعات، یعنی سازمان درباره جنگ ایران و عراق، ۶ روز پس از آغاز جنگ صادر شده بود و تا زمان آزادسازی خرمشهر هیچ تلاش ملموس دیگری از سوی این جایگاه برای پیگیری مسائل

**نگاه**

**امام محمد باقر (ع)**

**اعجاز علمی نسل کوثر**

**حجت‌الاسلام والمسلمین محمد سالار \***

مرور زندگی ائمه معصومین و پیشوایان اسلامی مشخص می‌کنند این بزرگان هدف و جهت واحدی را دنبال می‌کردند. حرکت این بزرگان به سوی هدایت، تعالی و تکامل مردم و رضای از ظلم و بی‌عدالتی و استقرار قوانین الهی و تحقق احکام دین مبین اسلام بوده است. هر یک از پیشوایان ما برای هدایت مردم و زنده نگاه داشتن اسلام با توجه به شرایط خاص سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی زمان خود، یک حرکت هدفمند و رو به جلو با روشی خاص مانند دعا، تربیت دانشمندان، نرزش قهرمانانه و قیام و مبارزه با دستگاه ظلم و فساد داشتند.

حضرت امام محمد باقر(ع) به باقرالعلوم لقب یافتند و از آن حضرت به عنوان شکوفنده علوم آل محمد(ص) نام برده می‌شود. در زمان امام باقر(ع) فرقه‌های مختلف و مکتب‌های گوناگون، شیعات و سوانات بسیاری را در ذهن‌ها ایجاد کرده بودند که جواب و تحقیق درباره آنها را حضرت دنبال می‌کردند. مناظرات بسیاری که از امام باقر(ع) به دست ما رسیده یک گواه روشن بر این حقیقت است. امام باقر(ع) در صحنه علمی ظهور و بروز یافتند و علوم دینی و الهی را فرااه حق‌جویان و مشتاقان فرهنگ و معارف الهی قرار دادند. حضرت در زمان خویش با تبیین درست و اصيل دیدگاه دین، جلوه زیبایی از دانش، آگاهی و معرفت را ترسیم کردند.

امام باقر(ع) بار دیگر اعجاز علمی نسل کوثر را متجلی ساختند و ثمرات علم و آگاهی را از بوستان قرآن و سنت نبوی به دل‌های حق‌جویان هدیه کردند و در واقع عصر امام باقر(علیهم‌السلام) و امام صادق(ع)، عصر شکوفایی علم و دانش و فرهنگ و معارف الهی و نظامی است. امام باقر(ع) با واسطه در گیری‌ای که میان بنی‌امیه و بنی‌عباس به وجود آمد، فرصتی طلایی حاصل شد تا ایشان بتوانند بیشتر از آگاهی و مقابله با انحرافات و عقاید باطل تمرکز کنند و همچنین زمینه و فرصت مناسبی پیش آمد که به تربیت شاگردان خاص و کادرسازی بپردازند. بیشترین روایات و احادیثی که امروز به دست ما رسیده و در حوزه‌های علمیه و محافل علمی- پژوهشی بحث می‌شود و مورد استناد قرار می‌گیرد، مربوط به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) است، لذا امروز مکتب انسان‌ساز امام باقر(ع) در اقصی نقاط جهان از شرق آسیا و اقیانوسیه تا شرق و غرب آفریقا و کشورهای عربی و آمریکای لاتین گسترش یافته و شاهدیم تربیت یافتگان مکتب اهل بیت(ع) و طلاب و مبلغانی که در حوزه‌های امام باقر(ع) تربیت شده‌اند...

**ادامه در صفحه ۶**